

حق شادی، حق زیستن: بازخوانی عدالت از نگاه کودکی

علی ربیعی، دستیار امور اجتماعی رییس جمهور



کودکی، نخستین تجربه انسان از آزادی است؛ سنی که در آن رؤیاهای شیرین هنوز پایدار بوده و آلوده به ترس و نابرابری نشده‌اند. هر جامعه‌ای که کودکان را از شور بازی و امکان رشد محروم سازد، خود را از آینده انسانی‌اش تهی می‌کند. روز جهانی کودک فرصتی برای بازاندیشی در این حقیقت ساده است: کودکان حق دارند کودکی کرده تا تجربه‌ای شاد از این دوران، شالوده مابقی عمرشان شود.

حق شادی همان قدر بنیادی است که حق زیستن. شادی کودک، صرفاً احساس نیست؛ بلکه شاخصی است از کرامت انسانی، از فرصت برابر برای رشد و لذت از جهان. هر لبخند، گزارشی بی‌واسطه از میزان حضور عدالت در زیست روزمره ماست. جامعه عادل جامعه‌ای است که زمینه‌ساز شادی برای همگان است؛ نه به مثابه یک امتیاز بلکه به عنوان یک حق.

اما در پس این آرمان زیبا، چهره تلخ دیگری نیز پنهان است؛ چهره کودکان بازمانده از تحصیل، کودکانی با معلولیت‌های جسمی یا ذهنی که همه سهم‌شان از زیست در جهان به اندازه یک تخت و ویلچر است، کودکان کار و آنانی که در حاشیه شهر زندگی می‌کنند. محرومیت از آموزش، از تفریح، از مراقبت، فقط حذف یک «خدمت اجتماعی» نیست؛ حذف بخشی از کرامت انسانی است.

این روزها چه بسیار شاهدیم که افرادی حتی در درون خانواده، با نگاه‌های غیرمسئولانه به کودک، با ظاهری دلسوزانه، زندگی امروز و فردای آنان را به مخاطره می‌افکنند. هر بستری که در آن کودکی تنها بماند، جامعه‌ای از همبستگی جدا شده است.

حق آموزش، حق حضور در فضای عمومی، حق بهداشت و حق شادی، پیوندی ناگسستنی با مفهوم خیر جمعی دارد. شادی کودک، نشانه‌ای گویا از پایداری جامعه است؛ لبخندهای آنان گزارش لحظه‌ای از عدالت است. امنیت روانی، سیاست اجتماعی و اقتصاد ملی، باید کودک محور باشند، نه کودک بی تفاوت. منظور من این است که سیاست گذاری از منظر کودکان و برای آنان انجام شود.

در سال‌های اخیر آثار تحریم، مشکلات معیشتی، نشانه‌های فقر، اضطراب‌های خانوادگی و شکاف‌های اجتماعی، سایه‌هایی بر جهان کودکی فرزندان ایران افکنده‌اند. این تهدیدها تنها وضعیت زیستی کودکان را هدف نمی‌گیرند، بلکه بنیان‌های اخلاق عمومی و امنیت روانی را می‌فرسایند. من اینجا فقط از «کودک» سخن نمی‌گویم؛ از «آینده مشترک ما» حرف می‌زنم.

روز جهانی کودک، روزی است برای تأمل در چرخه‌ای که از خانواده تا دولت، از مدرسه تا رسانه، در شکل‌دهی زیست کودک مؤثر است. تحلیل کودک در بیرون از خانواده نیز مستلزم دقت و تأملات زیادی است؛ از تأثیرپذیری کودکان نسبت به رفتارهای نابسامان جامعه تا سیاست گذاری‌های مهندسی کودکی که بیشتر در جریان اصلی نظام آموزشی و رسانه انجام می‌شود.

فهم نادرست از علوم تربیتی، به روش «نظریه تزریقی» که از نظریات منسوخ علوم ارتباطات است (این نظریه معتقد است پیام را می‌توان به جامعه تزریق کرد و هرچه میزان محتوای پیام بیشتر باشد، رفتار مخاطب در آن با تکرار محتوا بیشتر تغییر می‌کند) طی انجام فرآیند گذار از کودکی به نوجوانی، باعث ناهمسانی‌های شناختی می‌شود. بازگشت به ارزش‌های شفقت، همکاری و اعتماد، تنها راه حفظ سرمایه انسانی نسل آینده است.

امروز باید برای ساختن فردایی انسانی متحد شویم، جایی که شادی کودک نه امتیاز، بلکه بدیهی‌ترین حق شهروندی است. هر خنده کودکان فارغ از جنسیت، مذهب، توان مالی یا جسمی، پژواکی از امید جمعی ماست.

دریغ می‌آید در روز جهانی کودکان از سیاست‌های سودجویانه جهانی (به رغم همه شعارها) و رنجی که همه کودکان می‌برند، از کودکان آفریقایی گرفته تا کودکان آسیایی یا آن دسته از کودکانی که در غزه به جای لالایی، با صدای مهیب بمب‌ها می‌خوابند و در خرابه‌های حاصل از ویرانی بازی‌های تلخ کودکی خود را دنبال می‌کنند چیزی نگوییم.

بیایید دوباره بیاموزیم که کار درست، همان حفاظت از معصومیت کودکی است؛ جایی که خیر جمعی، از دستان کوچک کودکان، به قلب جامعه می‌رسد.

کودکان، همان سازندگان فردای وطن هستند. ای کاش همه چنان رفتار کنیم که لذت زندگی و آرامش در لبخندشان جاری شود.

منبع: روزنامه ایران ۱ آذر

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۹/۲